

## افترا در قانون انگلستان

۴ - نسبت بر علیه کسی در خصوص کسب یا حرفه او مثل نسبت افلاس به يك تاجر یا عدم لیاقت به يك جراح یا بی اطلاعی به يك وکیل ولی انتساب مزبور باید مربوط به کسب یا حرفه فعلی شاکی باشد نه حرفه ای که سابقاً داشته و فعلاً دیگر ندارد - اگر شغل شاکی افتخاری باشد صرف انتساب عدم لیاقت کافی نیست و باید ضرر و زیان مخصوص ثابت کند مگر در موردی که انتساب عدم لیاقت قاعده موجب محرومیت شاکی از سنت خود باشد البته اسناد جرم مانند نادرستی و غیره بخودی خود در موارد مشاغل افتخاری هم قابل تعقیب است - انتساب باید مستقیماً مربوط به کسب یا حرفه یا شغل شاکی باشد مثلاً نسبت دادن فساد اخلاق بطور کلی به يك بز تك کافی نیست بلکه باید گفته شده باشد که فلان یزشك نسبت بمریض های خود عملی منافعی با اخلاق حسنه کرده است همچنین نسبت به يك آموزگار باید گفته شده باشد که نسبت به شاگرد های خود مرتکب سوء اخلاق شده است نه اینکه بطور کلی شخص فاسد الاخلاقی است.

### دروغ موجب ضرر

قبل از اینکه بذکر خصوصیات افترای کتبی (جنبه جزائی افترا) پردازیم بی مورد نیست راجع بعنوان فوق که شباهت مخصوصی بجنبه حقوقی افترا دارد شرحی بنکاریم این عنوان شامل مواردیست که کسی راجع بدیگری اکاذیبی را انتشار دهد که در نتیجه آن شخص مزبور متضرر شود و قاعده کلی اینست که هر کس با سوء نیت اظهار دروغی را راجع بشخصی بنماید و بالنتیجه موجب شود که اشخاص دیگر عملی بضرر مشارالیه بنمایند مسئول خواهد بود.

این عنوان را باید از موضوع افترا تفکیک کرد زیرا افترا نسبت بحسن شهرت شانی است ولی دروغ موجب ضرر

نسبت بمشائلی است که اصطکاک با شهرت شاکی ندارد مثل اینکه کسی عامداً بر خلاف حقیقت انتشار دهد که فلان تاجر از کسب دست کشیده است و بالنتیجه تاجر مزبور متضرر شود همچنین اگر کسی راجع به کاسبی انتشار دهد که زن او که در دکان او کار میکند فاسد الاخلاق است این انتشار نسبت بزین افترا است ولی نسبت بکاسب فقط از جنبه دروغ موجب ضرر قابل شکایت است زیرا فساد زن مربوط بشخص شوهر نیست همچنین اگر کسی انتشار دهد که فلان کشتی خراب است و در نتیجه کار گری حاضر نشود که در آن کشتی کار بکند صاحب کشتی بعنوان اظهار دروغ موجب ضرر میتواند از گوینده مطالبه خسارت بنماید - در این موارد لازم است گوینده با سوء نیت موضوع را اظهار کرده باشد و اگر موضوعی را صرفاً از روی بی اطلاعی اظهار بنماید مسئول نخواهد بود.

یکی از مصادیق این عنوان تکذیب حق مالکیت است یعنی موردی که کسی بر خلاف حقیقت و از روی سوء نیت حق مالکیت شخصی را نسبت بمالی تکذیب نماید مثل اینکه وقتی مشغول حراج کردن مالی هستند کسی مدعی مالکیت اموال موضوع حراج شود که البته در این صورت عمل حراج درچار وقفه خواهد شد یا مثل اینکه کسی اظهار کند که فلان شخص اجناسی را میفروشد که حق انحصاری اختراع یا فروش آن بادیگریست - این حمایت قانونی سابقاً فقط در مورد اموال غیر منقول موجود بوده ولی اینك در مورد اموال منقول هم وجود دارد و همچنین نسبت بمنافعی که در حکم اموال است مانند حق تصنیف و حق اختراع - حتی در امریکا حقوقی هم که هنوز ناقص هستند از این حمایت استفاده مینمایند مثلاً اگر کسی با دیگری قرار داده باشد که از اجناسی را بخرد و بعد ثالثی بآن دیگر اطلاع دهد که شخص اول از

خریداری آن جنس صرف نظر کرده و بالنتیجه خود ثالث آن جنس را بخرد شخص اول نسبت به ثالث حق مطالبه خسارت خواهد داشت.

يك نوع دیگر از این عنوان بد گوئی ارکالای دیگران است. اگر يك کاسب فقط بگوید که کالای من بهتر از کالای دیگران است هر چند عمداً دروغ گفته باشد کاسبهای دیگر حق اقامه دعوی بر علیه او ندارند (زیرا در غیر این صورت تاجر اقامه دعوی را وسیله اعلان کالای خود خواهند نمود) ولی اگر کسی از کالای دیگری بد گوئی کند دعوی جبران خسارت بر او وارد خواهد بود.

از نکات فوق معلوم میشود که برای پیشرفت این دعوی مدعی باید سه نکته ذیل را ثابت کند: (۱) اظهارات مورد شکایت دروغ است (۲) گوینده اظهارات مزبور را با سوء نیت کرده است مقصود از سوء نیت در اینجا نداشتن عذر موجه قانونی است (۳) مدعی ضرر و زیان مخصوصی متحمل شده است.

افتراء کتبی یا جنبه جزائی افتراء

اصول افترای کتبی در ضمن مطالب فوق ذکر شده است ولی اینک شرحی که مخصوصاً راجع به جنبه جزائی افتراء است مینگاریم:

افترای کتبی عبارت از انتشار نوشته یا تصویری است که یا فردی را مورد افتراء قرار دهد (افترای خصوصی) یا توهینی نسبت به مذهب یا حکومت یا اخلاق عمومی بنماید (افترای عمومی) و چنانچه گفته شد تعقیب جزائی فقط در مورد افترای کتبی ممکن است. تعقیب جزائی افتراء از نظر اختلال نظم عمومی است و اگر افتراء نوعی باشد که عادة طرف را تحریک اعمال مخالف آسایش عمومی نماید منتهم نمیتواند در مقام دفاع بگوید که در این مورد بخصوص اوضاع نوعی بوده است که شاکي توانائی یا مجال عملی بر خلاف نظم عمومی را نداشته است.

بطور کلی و مخصوصاً از این نظر که غالباً مقتری از اشخاصی است که استطاعت مالی برای تادیه خسارت نقدی دارند معمولاً جرم افتراء فقط از جنبه حقیقی تعقیب میشود و جنبه جزائی آن وقتی مورد تعقیب واقع میشود که افتراء دارای اهمیت خاصی باشد

بطوریکه طرف را واقعاً تحریک با اقدامات مخالف با نظم عمومی نماید.

لازم نیست مقتری سوء نیت داشته باشد و مثلاً اگر فقط يك حرف نفی را حذف کرده باشد و در عوض اینکه بنویسد فلان شخص مرد نا درستی نبوده است سهواً نوشته باشد مرد نا درستی بوده است همین عقاب برای اثبات جرم او کافیست.

اگرچه قانونی که در سنه ۱۸۴۳ راجع باین موضوع وضع شده است سرگوبند مجرم باید عمداً موضوع افتراء را انتشار داده باشد ولی در عمل صرف انتشار موضوع و فقدان اصول اثباتیه برای دادگاه تولید فرض غیر قابل انکاری مینماید که موضوع با سوء نیت اظهار شده است و لهذا لازم نیست شاکي در عرضحال خود نسبت قصد و عمد بمتهم بدهد.

چنانچه دیدیم قواعد کلی راجع به جنبه حقوقی و جزائی افتراء یکی است ولی تفاوتی ذیل را باید در نظر داشت:

- ۱- برای اقامه دعوی حقوقی لازم است موضوع افتراء آئین با اطلاع شخص یا اشخاصی غیر از خود مدعی رسیده باشد زیرا مقصود از اقامه دعوی جبران خسارتی است که بهرت مدعی وارن شده باشد ولی در مورد تعقیب جزائی کافیست موضوع افتراء فقط بخود شخص شاکي ابلاغ شده باشد زیرا مقصود از تعقیب جزائی جاو گیری از اقداماتیست که ممکن است طرف را تحریک بر رفتاری بر خلاف نظم عمومی بنماید.
- ۲- دعوای اثبات حقیقت در دعوی حقوقی همیشه مسموع است ولی از نظر جزائی تنها در صورتی موجب تبرئه متهم میشود که اشاعه حقیقت مورد بحث بشفع عامه بوده باشد و نیز این دفاع هیچ صورت در مورد توهین به مذهب یا اخلاق حشده یا حکومت مجاز نیست.

۳- وقتی يك طبقه مردم جمعاً مورد افتراء واقع شده باشند حق دعوائی برای افراد آن طبقه تولید نمیگردد زیرا عده مدعیان زیاد و نا معلوم خواهد بود ولی از نظر جزائی قابل تعقیب است زیرا در این صورت تعقیب کننده مدعی العموم است مثل آنکه افتراء نسبت به کشیش های فلان

شهر باشد ولی از طرف دیگر اگر طبقه مزبور زیاده از حد وسیع باشد افترا قابل تعقیب نخواهد بود مانند اینکه نسبتی «باهاں عالم» داده شود.

۴ - در صورتیکه شخص مورد افترا مرده باشد ورثه او حق اقامه دعوی حقوقی نخواهد داشت ولی از نظر جزائی در صورتیکه افترای نسبت برده بازماندگان او را مورد تنفر یا تحقیر قرار دهد از ماندگان مزبور حق شکایت خواهند داشت ولی این نکته را باید در نظر داشت که صرف انتقاد تاریخی از اشخاص که در گذشته اند به تلافی آنها حق تعقیب نمیدهد زیرا اگر چنین بود آزادی نویسندگان ادبی و تاریخی بی اندازه محدود میگشت.

۵ - از نظر حقوقی مخدوم مسئول افتراهایی است که صادره از در حین خدمت انتشار داده باشد ولی از نظر جزائی اگر مخدوم ثابت کند که انتشار افترای مزبور نه در نتیجه دستور و نه در نتیجه غفلت او بوده قابل تعقیب نخواهد بود.

۶ - در مورد اظهارات شفاهی این اظهارات هیچ وقت در عین حال از جنبه حقوقی تر جزئی باهم قابل تعقیب نیست زیرا هرگاه اظهارات مزبور نسبت به افراد باشد فقط حق اقامه دعوی حقوقی از آن ناشی میشود (مگر در موارد نادری که اظهارات شفاهی مستقیماً تحریک برقرار مخالف نظم عمومی مایند مانند دعوت بزود خورد) از طرف دیگر هرگاه اظهارات شفاهی نسبت به افراد نباشد بلکه توهین به مذهب یا اخلاق عمومی یا حکومت باشد فقط از جنبه جزائی قابل تعقیب خواهد بود.

در مورد افترای کتبی معمولاً حق اقامه دعوی و تعقیب جزائی هر دو موجود است ولی در مواردی که ذیلاً ذکر میشود افترا تنها از جنبه جزائی قابل تعقیب است و جنبه حقوقی ندارد.

۱ - افترا نسبت به اشخاصی که مرده اند بقصد اضرار یا خانوادہ آنها.

۲ - افترائی که منجر به تهنک حیثیت اشخاصی گردد که در کشور های یکنانه دارای یابده و عنوان مهمی باشند زیرا چنین افترائی ممکن است موجب اختلال روابط در کشور گردد.

۳ - افترا نسبت به یک طبقه افراد بطوریکه آن طبقه

را مورد تنفر عامه قرار دهد.

۴ - افترائی که فقط بخود شاکی ابلاغ شده و دیگری از آن مطلع نشده باشد.

۵ - افترائی که موضوع آن حقیقت داشته باشد.

### توهین به مذهب

در قرن شانزدهم و هفدهم میگفتند مذهب مسیح جزء قانون انگلستان است و لهذا هر گونه حمله ای نسبت به آن اعم از اینکه توهین آمیز بود یا نبود جرم شناخته میشد مثلاً اگر کسی میگفت که اصول و مبانی مذهب مسیح مطابق با حقیقت نیست مجرم محسوب میشد ولی این وضعیت رفته رفته تغییر کرد تا اینکه در قرن نوزدهم یکی از قضات نظریه قانون را در باره توهین نسبت به مذهب بشرح ذیل اظهار نمود.

هر کس تعلیقات مذهب مسیح را مورد استهزاء بآبی احترامی یا توهین قرار دهد مجرم است ولی کسی که با مقننات و احترام اصول مذهب مزبور را مورد بحث قرار دهد و نسبت بدرستی آن تردید نماید جرمی مرتکب نشده است - کسی در مقام تعرض نسبت به مذهب مسیح گفته بود «مسیح پیشوای بد کاران است و از پدر نا معلومی بوجود آمده و آئین او خدعه بدیش نیست» این شخص تعقیب و محکوم شد - دیگری عبارت ذیل را در مجله ای درج نموده بود «خدائی که محبوب و معبود مسیحیان است بر طبق تعریف انجیل از پدر بشکالی هم خونخوار تراست و تمام معایب انسان وحشی را دارد بدون محاسن او - ظلم او از روی هوس رانی است و اگر امروز جابری یافت میشد که اعمال بیهوده را در روی زمین میخواست تقلید نماید خود مسیحیان بر علیه او قیام و اقدام میکردند» نویسنده بعنوان توهین به مذهب تعقیب شد ولی با این دفاع که عبارت مزبور توهین آمیز نیست بلکه اظهار عقیده است نبرئه گردید - ظاهراً چنین نظر میرسد که این دو بیان هر دو توهین آمیز است اما این تفاوت در بین هست که بیان اول هتک احترام نسبت به شخصی است که موجود بوده و عده زیادی او را مظهر اخلاق کامل و سر مشق خود میدانند ولی بیان دوم در باره مفهومی است که از مجموع نوشته های مذهب مسیح استنباط میشود و نویسنده این عقیده را اظهار کرده است که اگر صفات و خصایصی که در کتب

نیست که آیا عقیده ای که اظهار شده است حقیقت دارد یا نه و آیا قصد نهائی گوینده خوب است یا بد بلکه فقط این موضوع را در مد نظر میگیرد که آیا اظهارات گوینده یا نویسنده نوعی است که در امور عادی جامعه باعث فساد عمومی و شرارت خواهد شد یا نه و در صورت مثبت جرم محرز خواهد بود

### مجازات

مجازات افترا زندانی و جزای نقدی است - در مواردی که اقرا نسبت به حکومت یا مذهب یا اخلاق عمومی باشد حدی برای مدت زندانی تعیین نشده است ولی در موارد افترای نسبت با افراد اگر مقرری عالم بکذب اظهار خود بوده حد اکثر زندانی او دو سال و در غیر این صورت یک سال خواهد بود - مجازات کسی که دیگری را برای جلب نفعی تهدید یا تشار افترائی بنماید دو سال زندانی است .

### قواعد کلی در تعیین میزان خسارت

میزان خسارت را هیئت ژوری تعیین میکند و در این مورد هیئت مزبور میتواند نسبت بروحیات و مقاصد مقرری تدقیق نموده نتیجه را در تقویم دخالت دهد و چنانچه گفته شده است هیئت ژوری میتواند تمام رفتار متهم را از موقع انتشار افترا تا موقع ختم محاکمه مورد نظر قرار دهد و ملاحظه نماید که رفتار مشارالیه قبل از اقامه دعوی و پس از آن و در ضمن جریان محاکمه چه بوده است هرگاه قاضی در ضمن توضیحی که هنگام مراجعه امر بهیئت ژوری میدهد اشتباهی بنماید که در تقویم خسارت از طرف هیئت ژوری مؤثر باشد تقاضای تجدید محاکمه مورد خواهد داشت .

مبادرت به انتشار معذرت از طرف متهم در تقویم خسارت مؤثر خواهد بود .

متهم در مقام دفاع نمیتواند متوسل به سوء سابقه شاکی گردد زیرا چنین سوء شهرتی مربوط بموضوع نیست ولی هرگاه متوسل بدفاع اثبات حقیقت شده و نتوانسته باشد کاملاً مراتب را ثابت نماید اثبات سوء شهرت شاکی بطور کلی موجب تقلیل میزان خسارت خواهد گردید .

خاتمه فؤاد روحانی

مذهبی مسیحی برای خداوند ذکر شده در موجودی جمع شود آن موجود قابل برستش نخواهد بود - تقریباً در بیست سال قبل مجمع در انگلستان با مرام ذیل تشکیل شد «مرام مجمع پیشرفت این اصل است که رفتار بشر باید مبتکی به علم طبیعی باشد نه عقیده نسبت بما فوق الطبیعه و تنها مقصد فکر و عمل انسان باید آسایش در این دنیا باشد» این مجمع بعنوان اینکه چون بر علیه مذهب مسیح قیام کرده است نمیتواند شخصیت قانونی داشته باشد تعقیب کردیدولی مجلس اعیان (بمنزله تمیز) با اکثریت چهار به یک رأی داد که تبلیغات ضد مذهب مسیح تا حدی که آمیخته به بی احترامی نباشد بهیچ وجه مخالف قانون نیست و لهذا مجمع مزبور میتواند مرام خود را تعقیب نموده از تمام مزایائی که به شخصیت حقوقی یک مجمع تعلق میگیرد استفاده کند .

### نشریات مستهجن

انتشار هر نوع نوشته یا تصویری که مضر با اخلاق حسنه باشد جرم است - میزان این جرم را یکی از قضات عبارت ذیل توضیح داده است : هرگاه موضوع مورد بحث قاعده منجر بفساد نمودن اشخاصی گردد که ذهن آنها مستعد پذیرفتن نفوذ مخالف اخلاق است این موضوع مستهجن است خواه قصد نهائی نویسنده بد باشد یا خوب پس حتی کسی هم که بقصد پسندیده ای مانند آگاه کردن خوانندگان از فساد یک جامعه یا طبقه ای چاره خود را منحصر به نوشتن مطالب مستهجن بیاید مجرم خواهد بود .

### افترای فتنه انگیز

هر نوع بیان شفاهی یا کتبی که احساسات مردم را برانگیخته آنها را ناراضی کند یا بارتکاب فساد و شرارت تحریک نماید جرم است و بعنوان افترا نسبت به حکومت وقت تلقی میشود مثلاً در اوایل قرن نوزدهم که حکومت انگلستان میخواست وسائل کشته و زرع را بوسائل ماشینی تبدیل کند بعضی از مخالفین مخالفت خود را با کلمات تحریک کننده ائی اظهار کردند و زارعینی را که در اثر عدم رضایت شروع بشرارت و سوزاندن خرمنها نموده بودند تشویق کردند اظهارات مزبور بعنوان افترای فتنه انگیز تلقی و متهمین تعقیب و محکوم شدند - در این موارد قانون ناظر باین